

موجب قطب‌بندی‌های جدید در نظم منطقه‌ای شد (زیبائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۱۴).

ناآرامی‌های عربی که در دسامبر سال ۲۰۱۰ از تونس آغاز و به استثناء امارات و قطر تمامی دولت‌های عرب و در پاره‌ای موارد دولت‌ها و موجویت‌های غیر عرب (ترکیه و اسرائیل) را نیز تحت‌الشعاع قرار داد، نظم منطقه را وارد مرحله نوینی ساخته است که از آن با عنوان «خاورمیانه جدید» یاد می‌شود. در این باره، افزایش رقابت منطقه‌ای بین ایران و عربستان در شکل جنگ‌های نیابتی، گسترش کشمکش‌های فرقه‌ای شیعی _ سنی، تغییر جهت تقابل هویت اسلامی _ یهودی به تقابل ائتلاف سنی _ یهودی در برابر ایران شیعی، شکاف در شورای همکاری خلیج (فارس) به واسطه حمایت‌های قطر از جریان‌های اسلامی، شکل‌گیری اتحاد منطقه‌ای قطر _ ترکیه در برابر دولت‌های محافظه‌کار عرب، خروج مصر و اردن از حلقه اول روابط بین‌الملل منطقه و در نهایت ظهور قدرت‌های متوسط نوظهور نظیر امارات و قطر در خاورمیانه جدید پاره‌ای از ابعاد این نظم نوین به حساب می‌آیند. با توجه به موضوع پژوهش، در ادامه ابعاد تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت‌های امارات و قطر جهت نقش‌آفرینی و نائل آمدن به قدرت متوسط منطقه‌ای به تفکیک مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴. الگوهای حاکم بر سیاست خارجی امارات

سیاست خارجی امارات در دهه‌های اخیر شاهد تغییر روند کلی جهت‌گیری از عربی _ اسلامی به سوی منطقه‌ای _ بین‌المللی است. اقدامات عینی و عملی در خصوص تغییر سیاست خارجی این کشور به حضور نسل رهبران جوان در هرم قدرت بازمی‌گردد. در سال ۲۰۰۴ «شیخ زاید بن سلطان آل نهیان» رئیس‌جمهور (رهبر مادام‌العمر) امارات که جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی این کشور از ابتدای تأسیس منوط به تصمیمات وی بود درگذشت و فرزندش «شیخ خلیفه بن زاید» جانشین او شد. دو سال پس از مرگ شیخ زاید بن سلطان، در سال ۲۰۰۶، «شیخ محمد بن راشد آل مکتوم» نخست‌وزیر وقت نیز درگذشت و قدرت به برادرش «شیخ محمد بن راشد» نخست‌وزیر کنونی امارات رسید. رهبران جدید به